



ستایش

یاد تو

قالب: مثنوی (دوگانی / دوتایی)

مثنوی: نوعی قالب شعری است که در آن مصراع‌ها دو به دو با یکدیگر هم‌قافیه‌اند. به بیانی دیگر هر بیت قافیه‌ای جداگانه دارد.

موضوع و محتوا: ستایش و توصیف ویژگی‌های خداوند.

۱. ای نام تو بهترین سرآغاز بی‌نام تو نامه کی کنم باز؟

واژه‌های مهم: تو: منظور خدا/ سرآغاز: ابتدای هر چیز، شروع / نامه: در این جا یعنی کتاب.

نکته ادبی: سرآغاز، باز: قافیه.

دانش زبانی: ای: حرف ندا (صدا زدن) / خدا: مُنادا.

معنا و مفهوم: ای خدایی که اسم تو بهترین آغاز برای هر کاری است، کتابم را با یاد و نام تو آغاز می‌کنم.

۲. ای ییاد تو مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانم

واژه‌های مهم: مونس: یار، همدم / روان: جان، روح.

نکته ادبی: روانم، زبانم: قافیه.

معنا و مفهوم: ای خدایی که یاد تو همدم روح و روان من است، من فقط نام تو را بر زبان می‌آورم (فقط تو را ستایش می‌کنم).

۳. ای کارگشای هر چه هستند نام تو کلید هر چه بستند

واژه‌های مهم: کارگشا: مشکل‌گشا، آسان‌کننده کارها.

نکته‌های ادبی: هستند، بستند: قافیه / نام تو مانند کلید است: تشبیه.

معنا و مفهوم: ای خدایی که مشکل گشای تمام موجودات هستی، نام تو مانند کلیدی، قفل مشکلات را باز می کند (نام تو، مشکل همه را برطرف می کند).

۴. ای هست گن اساس هستی کوتاه ز درت، درازدستی

واژه های مهم: هست گن: به وجود آورنده، آفریننده / اساس: بنیاد، پایه / کوتاه: مخفف کوتاه / درت: درگاه تو / درازدستی: زورگویی، ستم.

نکته ادبی: هستی، درازدستی: قافیه.

دانش زبانی: «ت» در درت: تو / فعل «است» در مصراع دوم حذف شده است.

معنا و مفهوم: ای خدایی که به وجود آورنده جهان هستی، هیچ کس نمی تواند به تو ستم کند (هیچ کس نمی تواند در پیشگاه تو به دیگری ستم کند).

۵. هم قصه ناموده دانی هم نامه نانوخته خوانی

واژه های مهم: ناموده: پنهان، نشان داده نشده / نانوخته: نوشته نشده.

نکته ادبی: دانی، خوانی: قافیه.

دانش زبانی: «قصه ناموده» و «نامه نانوخته»: مفعول.

معنا و مفهوم: پروردگارا، تو از همه داستان ها، ماجراهای پنهان و کتاب های نوشته نشده باخبر هستی.

۶. هم تو به عنایت الهی آن جا قدم رسان که خواهی

واژه های مهم: عنایت: توجه، لطف / الهی: خدایی، خداوندی / قدم: گام / قدم: قدم من.

نکته ادبی: الهی، خواهی: قافیه.

دانش زبانی: رسان: برسان (فعل امر به منظور خواهش و دعا).

معنا و مفهوم: خداوندا، با لطف و محبت خداوندیت، مرا به جایگاهی برسان که خودت می پسندی.

۷. از ظلمت خود رهایی ام ده با نور خود آشنایی ام ده

واژه های مهم: ظلمت: تاریکی، سیاهی.

نکته های ادبی: ظلمت و نور: متضاد / منظور از «خود» در مصراع اول: انسان یا شاعر و در مصراع دوم: خداوند است.

معنا و مفهوم: خدایا مرا از تاریکی های درون خودم (مانند گناه، نادانی و...) نجات بده و با نور و روشنایی وجود خودت آشنا کن.

نظامی گنجوی (۵۳۰ - ۶۱۴ ه. ق.): حکیم ابو محمد یوسف، شاعر نامدار ایرانی معروف به نظامی در شهر



گنجه از شهرهای جمهوری آذربایجان به دنیا آمد. در جوانی به تحصیل ادب، قصص و تاریخ همت گماشت. داستان پردازی در منظومه‌های او به اوج رسید. آثارش عبارتند از: «مخزن الاسرار، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، هفت پیکر و اسکندرنامه».

نثر مسجع: به نوعی از نثر گفته می‌شود که گوشه چشمی به شعر دارد و آهنگین است. در پایان جملات آن واژه‌هایی قرار می‌گیرند که همانند قافیه، پایانی یکسان دارند و سجع نامیده می‌شوند. همان‌گونه که در شعر واژه‌هایی کاملاً یکسان به نام ردیف ممکن است بعد از قافیه بیاید، در نثر مسجع نیز پس از سجع ممکن است واژه‌هایی دقیقاً همانند بیاید و بر زیبایی موسیقایی کلام بیفزاید.

الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم؛ جانی ده که کار آن جهان سازیم.

واژه‌های مهم: دل: شهامت، شجاعت، دل و جرأت.

نکته های ادبی: جان باختن: کنایه از فدا کردن جان / بازیم و سازیم: سجع.

معنا و مفهوم: پروردگارا به ما شهامتی بده تا در راه تو جان را فدا کنیم و جانی بده که با نیروی آن آخرت خود را بسازیم.

دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا در چاه نیفتیم.

واژه‌های مهم: دانایی: خرد و آگاهی / بینایی: بینش و آگاهی / راه در این جمله به معنای راه راست است و منظور از چاه گمراهی است.

نکته‌های ادبی: راه و چاه: سجع / «راه» با «چاه» متضاد است.

معنا و مفهوم: خدایا به ما خردمندی، آگاهی و دانشی بده تا گمراه نشویم.

دست گیر که دست آویز نداریم، توفیق ده تا در دین استوار شویم.

واژه‌های مهم: دست گیر: کمک کن / دست آویز: هر چیزی که از آن کمک می‌گیرند. / توفیق: موافقت، یاری کردن، سازگاری / استوار: محکم، پا بر جا.

معنا و مفهوم: بارالها، ما را یاری کن؛ زیرا کمک‌کننده‌ای غیر از تو نداریم، این امکان را برای ما فراهم کن که در راه دین پایدار باشیم.

نگاه دار تا پریشان نشویم.

واژه‌های مهم: نگاه دار: پشتیبان و حامی ما باش. / پریشان: آشفته، نگران.

نکته ادبی: نگاه داشتن: کنایه از محافظت کردن.

معنا و مفهوم: نگهدار و مراقب ما باش تا پریشان و آشفته حال نشویم.



خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶ - ۴۸۱ ه.ق.): معروف به پیرهرات، در قرن پنجم در هرات به دنیا آمد. در جوانی علوم دینی و ادبی را فراگرفت. به عربی و فارسی شعر می‌سرود. نثر خواجه عبدالله آهنگین «مسجع» است. از آثار او می‌توان به **مناجات نامه** و **الهی نامه** اشاره کرد.

فصل اول زیبایی آفرینش

جهان، جمله فروغ روی حق دان / حق اندر وی ز پیدایی است پنهان

واژه‌های مهم: جمله: همه / جهان جمله: همه دنیا / فروغ: نور / دان: بدان (فعل امر) / حق: خدا / اندر: در / وی: او، در این جا منظور جهان است. در گذشته گاه به جای «آن»، از «وی» استفاده می‌شد؛ یعنی در گذشته گاه «وی» برای غیرانسان به کار می‌رفت.

نکته‌های ادبی: دان و پنهان: قافیه / پیدا و پنهان: متضاد هستند.

معنا و مفهوم: همه جهان را نوری از روشنایی روی خدا بدان که در آن، وجود پروردگار از شدت آشکار بودن پنهان به نظر می‌رسد.



شیخ محمود شبستری (وفات ۷۲۰ ه.ق.): از عارفان مشهور قرن هشتم و از علما و فضیلتی تبریز است که نوشته‌ها و سروده‌هایی در زمینه عرفان اسلامی دارد. معروف‌ترین اثر شعری او **گلشن راز** است.

درس اول

زنگ آفرینش

قالب: چهارپاره (دویستی های به هم پیوسته).

چهارپاره: به مجموع چند دویستی با قافیه های جداگانه که محتوای واحدی دارند، چهارپاره گفته می شود.

صبح یک روز نوبهاری بود روزی از روزهای اول سال

معنا: صبح یکی از روزهای فصل بهار بود و سال تحصیلی جدید آغاز شده بود.

بچه ها در کلاس جنگل سبز جمع بودند دور هم خوشحال

معنا: بچه ها در کلاس دور هم جمع شده بودند و خوشحال بودند.

بچه ها گرم گفت و گو بودند باز هم در کلاس غوغا بود

واژه های مهم: گرم: مشغول، سرگرم / غوغا: آشوب و فریاد، همهمه.

معنا: بچه ها مشغول صحبت بودند و در کلاس سر و صدا و شلوغی بود.

هر یکی برگ کوچکی در دست باز انگار زنگ انشا بود

واژه های مهم: انگار: گویی، مثل اینکه.

معنا: هر کدام از بچه ها برگه ای در دست داشت. گویا زنگ انشا بود.

تا معلم ز گرد راه رسید گفت با چهره ای پر از خنده:

معنا: آموزگار همین که از راه رسید و وارد کلاس شد، خندان گفت:

نکته: معنای این بیت، به بیت بعد وابسته است و با بیت بعدی معنای این بیت کامل می شود.

باز موضوع تازه ای داریم: «آرزوی شما در آینده»

واژه های مهم: موضوع: چیزی که درباره آن بحث شود، مبحث.

معنا: برای انشا موضوع تازه ای داریم. موضوع: «آرزوی شما در آینده» است.

شبم از روی برگ گل برخاست گفت: می خواهم آفتاب شوم

معنا: شبم از روی برگ گل سرخ بلند شد و گفت: می خواهم آفتاب باشم.

ذره ذره به آسمان بروم ابر باشم، دوباره آب شوم

واژه‌های مهم: ذره ذره: کم کم، آرام آرام.

معنا: آرام آرام به آسمان بروم، ابر باشم و دوباره به آب تبدیل شوم.

دانه آرام بر زمین غلتید

رفت و انشای کوچکش را خواند

واژه‌های مهم: غلتید: از پهلویی به پهلوی دیگر چرخید.

معنا: دانه آرام آرام روی زمین چرخید (غلت خورد). پیش رفت و شروع به خواندن انشای کوچکش کرد.

گفت: باغی بزرگ خواهم شد

تا ابد سبز سبز خواهم ماند

واژه‌های مهم: ابد: جاودان، همیشه.

معنا: و در انشایش گفت: به باغی بزرگ تبدیل خواهم شد و همیشه سرسبز و سبز رنگ خواهم ماند.

غنچه هم گفت: گرچه دل تنگم

مثل لبخند باز خواهم شد

واژه‌های مهم: دل تنگ: ناراحت، غمگین (اشاره به بسته بودن غنچه).

نکته ادبی: در بیت تشبیه به کار رفته است.

معنا: غنچه گفت: اگر چه دلتنگم، مانند لبخند باز (شکوفا) خواهم شد.

با نسیم بهار و بلبل باغ

گرم راز و نیاز خواهم شد

معنا: با باد ملایم بهار و بلبل، مشغول (سرگرم) راز و نیاز و دعا خواهم شد.

جوجه گنجشک گفت: می خواهم

فارغ از سنگ بچه‌ها باشم

واژه‌های مهم: فارغ: آسوده، راحت.

معنا: جوجه گنجشک گفت: می خواهم از سنگ بچه‌ها در امان باشم.

روی هر شاخه جیک جیک کن

در دل آسمان رها باشم

معنا: روی هر شاخه بنشینم و جیک جیک کنم و در پهنه آسمان، آزادانه پرواز کنم.

جوجه کوچک پرستو گفت:

کاش با بسپار شوم

واژه‌های مهم: رهسپار: راهی، مسافر.

معنا: جوجه کوچک پرستو گفت: کاش بتوانم با باد راهی شوم.

تا اُف_____ ق‌های دور کوچ کنم باز پیغمبر به_____ ار شوم

واژه‌های مهم: اُفق: کرانه آسمان، سرزمین‌های دور، دوردست‌ها/ پیغمبر: پیام آور.

معنا: تا سرزمین‌های دور کوچ کنم و باز پیام آوری شوم که آمدن بهار را خبر می‌دهد (کوچ دسته‌جمعی پرستوها، نشانه فرارسیدن بهاران است).

جوجه‌های کبوتران گفتند کاش می‌ش_____ د کنار هم باشیم

معنا: جوجه‌های کبوتران گفتند: ای کاش می‌توانستیم در کنار هم باشیم.

توی گلدسته‌های یک گنبد_____ روز و شب زائر ح_____ رم باشیم

واژه‌های مهم: گلدسته: مناره/ زائر: دیدار کننده، زیارت کننده/ گنبد: سقف بزرگ مساجد و زیارتگاه‌ها که به شکل منحنی ساخته می‌شود. / حرم: مکان زیارتی.

معنا: توی گلدسته‌های یک گنبد، همیشه زیارت کننده حرم باشیم.

زنگ تفریح_____ ح را که زنجره زد باز هم در کلاس غوغا_____ شد

واژه‌های مهم: زنجره: سیرسیرک، نوعی حشره که از خود صدا تولید می‌کند.

معنا: زنگ تفریح که زده شد، دوباره در کلاس سر و صدا و شلوغی بر پا شد. (سیرسیرک ناظم یا معاون کلاس جنگل سبز است و صدایش یادآور صدای زنگ مدرسه است).

هر یک از بچه‌ها به سویی رفت و معلم دوباره تنها_____ شد

معنا: هر کدام از بچه‌ها به طرفی رفتند و معلم دوباره تنها شد.

با خودش زیر لب چنین می‌گفت: آرزوهایتان چه رنگی_____ ن است!

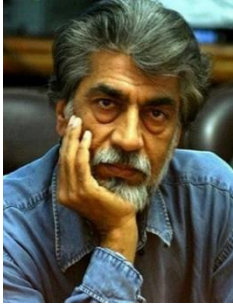
معنا: معلم زیر لب می‌گفت: چه آرزوهای قشنگی دارید!

کاش روزی به کام خود برسید؛ بچه‌ها آرزوی من این است!

واژه مهم: کام: آرزو، میل، خواسته.

معنا: آرزوی من، این است که: «ای کاش روزی به آرزوهایتان برسید!»

قیصر امین پور (۱۳۳۸ - ۱۳۸۶ ه.ش.): استاد دانشگاه و شاعر معاصر، در سال ۱۳۳۸ در گتوند خوزستان متولد



شد. دیپلم خود را در شهر دزفول گرفت و ابتدا در رشته پزشکی و جامعه‌شناسی پذیرفته شد؛ ولی هر دو را رها کرد و به ادبیات روی آورد و در این رشته به درجه دکترا نایل شد (رسید). وی از شاعران موفق پس از انقلاب به‌شمار می‌آید. از آثار او می‌توان «در کوچه آفتاب، تنفس صبح، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو و آینه‌های ناگهان» را نام برد. وی در پاییز ۱۳۸۶ وفات یافت.

دانش زبانی و ادبی

نکته اول:

به بیت‌های زیر توجه کنید:

زنگ تفریح را که زنجره زد
هر یک از بچه‌ها به سویی رفت
بیت‌های بالا از بخش‌هایی تشکیل شده است، مانند: هر یک از بچه‌ها به سویی رفت.
هر یک از این بخش‌ها، دارای معنی کاملی است. به این بخش‌ها جمله می‌گویند. هنگام سخن گفتن یا نوشتن، برای انتقال پیام به شنونده یا خواننده از جمله استفاده می‌شود.

نکته دوم:

به این بیت توجه کنید:

شبنم از روی برگ گل برخاست
گفت: می‌خواهم آفتاب شوم
می‌دانیم که سخن گفتن یکی از ویژگی‌های انسان است و برای شبنم امکان‌پذیر نیست که حرف بزند. در این سروده، شبنم به انسانی تشبیه شده است و می‌تواند برخیزد و سخن بگوید.
هرگاه ویژگی‌های انسان را به غیر انسان نسبت دهیم، به آن «شخصیت بخشی یا تشخیص» می‌گویند. یکی از زیبایی‌های (آرایه‌های) ادبی شخصیت‌بخشی به پدیده‌ها و اشیا است.

*راه‌های پیدا کردن تعداد جمله در نظم و نثر:

- ۱- شمارش تعداد فعل‌ها.
 - ۲- به حساب آوردن فعل‌های حذف شده.
 - ۳- به حساب آوردن شبه جمله به عنوان جمله.
- شبه جمله‌ها دو دسته‌اند:

۱. **منادا:** کلماتی که مورد ندا و خطاب قرار می‌گیرند. مانند: ای سعدی، سعدیا. در این نمونه‌ها سعدی، منادا و «ای» و «ا»، حرف ندا هستند.

۲. **صوت:** کلماتی که در بردارنده مفهوم تصدیق، تأسّف، شادی و... هستند. مانند: آفرین، شگفتا، هان.

حکایت

اندرز پدر

یاد دارم که در ایام طفولیت متعبّد و شب‌خیز بودم. شبی در خدمت پدر، رحمه الله علیه، نشسته بودم و همه شب دیده بر هم نبسته و مُصَحَف عزیز بر کنار گرفته و طایفه‌ای گردِ ما خُفته. پدر را گفتم: از اینان یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگزارد. چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مُرده‌اند. گفت: جان پدر! تو نیز اگر بخفتی، به از آن که در پوستین خَلق آفتی.

گلستان سعدی

واژه‌های مهم: ایام: جمع یوم، روزها / طفولیت: خردسالی / متعبّد: عبادت‌کننده / دیده: چشم / گویی: انگاره / مُصَحَف: کتاب آسمانی، قرآن / طایفه: گروه / رحمه الله علیه: خداوند او را رحمت کند. / دوگانه: نماز صبح / به: بهتر / بگزارد: به جای آورد، بخواند.

نکته‌های ادبی: در پوستین خَلق افتادن: کنایه از غیبت کردن، ایراد گرفتن. / سر بر نمی‌دارد: کنایه از بیدار نمی‌شود.

معنی حکایت: یادم هست که در دوران کودکی شب‌ها بر می‌خاستم و به عبادت می‌پرداختم. یک شب در حضور پدرم که رحمت خدا بر او باد نشسته بودم. تمام شب بیدار بودم و قرآن می‌خواندم و گروهی در اطراف ما خوابیده بودند. به پدرم گفتم: در بین این جماعت حتی یک نفر از خواب بیدار نمی‌شود تا نماز صبح را بخواند. چنان در خواب غفلت و بی‌خبری از یاد خدا فرو رفته‌اند که انگار در خواب نیستند؛ بلکه مرده‌اند. پدر گفت: فرزند عزیزم، تو هم اگر بخوابی بهتر از آن است که مردم را غیبت کنی.

پیام حکایت: پرهیز از غیبت، عیب‌جویی.

گلستان سعدی: سعدی شیرازی، گلستان را به سال ۶۵۶ ه.ق. نوشت. نثر آن مسجّع است، یعنی نثری که گوشه چشمی نیز به شعر دارد. گلستان علاوه بر دیباچه دارای **هشت باب** است که آمیخته‌ای از **نظم و نثر** است.

